

ارزیابی و گونه شناسی منابع نامه‌های امام کاظم (ع)

سید سجاد جعفری^۱

حسن جوادی نیا^۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

چکیده:

مکاتبات ائمه (علیهم‌السلام) از موارد مهم تشیع امامی است و پرداختن به آن‌ها از آن رو حائز اهمیت است که می‌تواند در اعتبار سنجی میراث به‌جای مانده از ائمه کمک نموده و چگونگی بهره‌مندی بهینه از آن را رهنمون شود، بررسی این نامه‌ها منوط به شناخت منابع و سپس بررسی اسناد و متن آن‌هاست، این نوشتار با هدف بررسی منابع نامه‌های امام کاظم (علیه‌السلام) و با روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به منابع مختلف متقدم سامان یافته است و عهده‌دار پاسخگویی به این پرسش است که چه منابع و آثاری از گذشته تا کنون نامه‌های امام را نقل کرده‌اند؟ میزان اعتبار، ویژگی‌ها و گونه‌های این منابع چیست؟ و در چه قرنی این نامه‌ها بیشتر منعکس شده‌اند؟ با بررسی و دسته‌بندی منابع نامه‌ها، این نتیجه بدست آمد که از نظر شیعه و سنی منابع نقل‌کننده نامه‌ها از منابع معتبر و قابل استناد است و نیز بیشتر نامه‌ها در قرن چهارم و در منابع حدیثی و تاریخ و سیره اهل‌بیت (ع)، نقل شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام کاظم (ع)؛ منابع؛ نامه‌ها؛ شیعه؛ اهل سنت

^۱- مدرس گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان بوشهر(نویسنده مسئول) sayyedjafari313@gmail.com

^۲- استادیار گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان بوشهر h.javadiniya@cfu.ac.ir

۱- مقدمه

امام کاظم هفتمین امام شیعه، در سال ۱۲۸ ق متولد و در دوران ثبات و قدرت حکومت بنی عباس به امامت رسیدند. امام در چنین محیطی تحت تربیت و راهنمایی پدر بزرگوارشان قرار گرفتند و با حضور در مجالس علمی، از مکارم اخلاقی و علم و دانش بی‌کران آن حضرت بهره بردند. بعد از شهادت امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ هجری، دوران امامت امام موسی کاظم که هم‌دوره با چهار تن از خلفای عباسی بوده شروع و به مدت ۳۵ سال طول کشید. بسیاری از احکام اسلامی منسوب به امام موسی کاظم است که در باب فقه و حدیث تدوین شده است و دانشمندان و روایان حدیث همواره با آن افاضات علمی، همدم شده و احادیث و فتوهای او را ثبت می‌کردند. از آنجایی که در زمان خلفای عباسی، امام تحت نظر حکمرانان قرار گرفته بود و حساسیتی روی ایشان بود و تمام حرکات امام کنترل می‌شد، امام تلاش نمودند تا از ابزارهای جایگزین دیدار رسمی بهره برده، به همین جهت نامه‌های بیشتری از ایشان به ثبت رسیده است.

بنابراین تا قبل از امام موسی (ع) ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با شیعیان تا حدی وجود داشت، ولی با فشارهای سیاسی دستگاه خلافت بر شیعیان و پراکندگی پیروان ائمه در مناطق مختلف، ارتباط حضوری و گفت‌گویی شفاهی با شیعیان جای خود را به مکاتبات و نامه‌نگاری داد. به همین جهت نامه‌های امام موسی کاظم (ع) سرمایه‌ی غنی برای شیعیان محسوب می‌شود و هر یک از پژوهشگران که تلاش نموده‌اند، عرصه‌ای از زندگی ایشان را از منظر خویش مورد بررسی قرار داده‌اند بخشی از این عرصه نامه‌هایی است که از امام صادر شده است که نسبت به سایر آثار از اهمیت فراوانی برخوردار هستند؛ زیرا در آن زمان به خاطر عدم تنوع و گسترش وسایل جمعی، نامه‌نگاری نقش مهمی در ارتباطات داشته از ماندگاری و اعتبار بیشتری برخوردار بوده است. امام موسی کاظم (ع) با توجه به پراکندگی هواداران ایشان در نقاط مختلف جهان اسلام، از ابزار مذکور در تعاملات خویش بهره برده و نامه‌های شایان توجهی از آن حضرت بر جای مانده است. به طور کلی وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر امام نشان می‌دهد که عرصه بر امام تنگ بوده و آن حضرت توان فعالیت سیاسی و فرهنگی نداشتند، روایان حدیث جرات نداشتند آشکارا از امام نام ببرند و مطالب گران‌بهای تفسیری، فقهی، عرفانی... او را نقل کنند. بنابراین در طول دوران امامت امام کاظم (ع) با توجه به شرایط خاص آن عصر، مهم‌ترین راه ارتباطی امام (ع) با شیعیان از طریق نامه‌نگاری بوده است؛ که از ایشان ۸۵ نامه در منابع مختلف نقل شده است. ولی آن چه در بحث نامه‌نگاری از اهمیت برخوردار است منبعی است که

نامه در آن ذکر شده است؛ زیرا اگر مؤلف ثقه و مورد اعتماد بود نامه‌ای که در کتاب وی آمده معتبر تلقی شده است. و اگر مؤلف ثقه و مورد اعتماد نبود نامه غیر معتبر شمرده شده است. به همین جهت پژوهش حاضر به دنبال این سوال است که منابع نامه‌های امام موسی کاظم کدامند؟ که به این طریق بتوان در اعتبار سنجی میراث به جای مانده از امام کمک نمود و به چگونگی بهره‌مندی بهینه از آن رهنمون گشت. از آنجایی که بخش زیادی از آن‌ها در کتب اربعه و تعدادی نیز در منابع تفسیری، تاریخ و سیره، اخلاقی و کتب رجالی آمده است؛ در این مقاله، منابع با توجه به گونه‌هایی که دارند دسته‌بندی می‌شود؛ سپس برای اعتبار سنجی هر منبع، به کتب رجالی مراجعه و شخصیت مؤلف بررسی می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

در این باره پژوهش مستقلی انجام نشده است اما در برخی پژوهشها به بررسی منابع احادیث و روایات پرداخته شده است از جمله مقاله آقای مصطفی صادقی (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی منابع شیخ مفید در باب دوازدهم ارشاد»، این مقاله با بررسی اخبار و روایات کتاب ارشاد در بخش زندگانی امام عصر (عج) تلاش می‌کند به مصادر و منابع آن دست پیدا کند؛ همچنین آقایان علی‌اکبر فراتی و محسن رفعت، در مقاله «بررسی منابع تاریخی ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه» به بررسی و معرفی منابع تاریخی شارح پرداخته‌اند و برخی ویژگیهای روش تاریخی شارح را تبیین، و در مورد چگونگی برخی منابع و وجود یا عدم وجود آن توضیح داده‌اند؛ عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی، محمد فرضی پوریان، و سعید بخشی، نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی منابع علم امام از منظر روایات»، با بررسی روایات معصومان (ع) به این نتیجه رسیده‌اند که در نزد ائمه اطهار (ع) کتابی وجود داشته که اتفاق‌هایی که قرار است تا روز قیامت اتفاق بیافتد در آن نوشته شده، و ائمه (ع) از این طریق هرگاه خواسته‌اند از قضایا اطلاع پیدا کرده‌اند در پژوهش دیگری آقای محمدرضا ملانوری شمسی با عنوان «بررسی منابع علم امام با تکیه بر روایات بصائر الدرجات»، روایات کتاب بصائر الدرجات در باب منابع علم امام را بررسی کرده است؛ همچنین آقای منصور داداش نژاد در مقاله‌ای به «بررسی منابع و محتوای نامه امام صادق (ع) به نجاشی» پرداخته‌اند که به‌عنوان پیشینه به این مقاله نزدیک است اما صرفاً به بررسی یک نامه پرداخته و همه نامه‌ها و منابع آن‌ها مورد نظر ایشان نبوده است با این حال در تدوین این مقاله پیشینه مناسبی بوده است. پژوهشی نیز توسط آرمان فروهی، محمد علی چلونگر

و سمیه مؤمنه با عنوان «نامه‌های امامان شیعه از عصر امام کاظم (ع) تا آغاز غیبت کبری» صورت گرفته که به بررسی ساختاری، محتوایی و ادبی نامه‌ها پرداخته است. لازم به ذکر است سه پژوهش نیز در باب بررسی نامه‌های امام کاظم (ع) از نویسنده مقاله حاضر صورت گرفته از جمله پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی و تحلیل ساختاری و محتوایی نامه‌های امام کاظم (ع)» و مقالات: «بررسی و تحلیل محتوای نامه‌های امام کاظم (ع)» و «تحلیل ساختار نامه‌های امام کاظم (ع)»؛ اما وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین در این است که در هیچ کدام از پژوهش‌ها به بررسی منابع نامه‌های امام کاظم (ع) پرداخته نشده است کاری که این مقاله عهده دار آن است؛ لذا نوشتار حاضر در نوع خود جدید و از این جهت که یکجا به نامه‌های یک امام پرداخته و منابع آن را واکاوی نموده و گونه‌های مختلف منابع را معرفی نموده است فاقد پیشینه مشابه است.

۳- قلمرو تحقیق

این پژوهش به لحاظ قلمرو، دارای قلمروی موضوعی است که دامنه آن همان نامه‌های برجای مانده از امام کاظم (علیه السلام) است. قلمرو زمانی و مکانی پژوهش نیز عصر حضور امام و اماکن حضور ایشان خواهد بود. پژوهش به لحاظ منبع، معطوف به نامه‌های باقیمانده از ائمه در منابع و متون مکتوب خواهد بود.

۴- مفهوم شناسی

گونه شناسی

گونه در لغت به معنای طرز، روش و شیوه به کار رفته است. (معین، ۱۳۸۲: ۱۱۵۲) (در اصطلاح گونه شناسی را می‌توان «طبقه بندی روشمند بر اساس معیار منطقی که از جامعیت و مانعیت نسبی برخوردار بوده و قابل توجیه و دفاع علمی باشد» تعریف کرد. (راد ۱۳۹۳: ۱۱) در این پژوهش تعریف مختار از گونه شناسی، طبقه بندی منابع بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های متنی و محتوایی است به تعبیر دیگر منابع بر اساس محتوا و موضوعات مورد بحث از هم تفکیک شده اند.

نامه

مطالبی که خطاب به شخص یا مقامی بر روی کاغذ و مانند آن نوشته می‌شود و به وسیله قاصد یا پست به دست گیرنده می‌رسد، نامه نام دارد. (انوری، ۱۳۸۱: ۷۷۰/۸) به تعبیر دیگر نامه عبارت

است از ارسال نوشته‌ای برای فرد یا گروهی جهت برقراری ارتباط یا انتقال پیام. نامه در قدیم بر کاغذ یا پوست نگارش می‌یافت. از نامه تعابیر مختلفی مانند کتاب، رساله، مکتوب، توقیع و رقعہ در منابع و متون شده است. این نوشته می‌تواند در هر موضوع و توسط هر فرد — خواه فرد عادی یا یک فرمانروا یا پادشاه و حتی پیامبران یا امامان (علیهم السلام) — نوشته شود؛ روشن است که نامه‌های پیامبران و ائمه از نظر تاریخی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند چرا که نامه از جمله اسناد مهم و رسمی در بررسی‌های تاریخی است که با احراز اصالت آن می‌توان به آن اعتماد کرد زیرا این گونه اسناد برخلاف گزارش‌های تاریخی که به تناسب دیدگاه نویسنده گزارش، به گونه‌ها و واژه‌های مختلفی ارائه می‌شود، حاوی واژه‌ها و ساختاری است که نویسنده نامه به کار برده است.

۵- ارزیابی منابع

قرب الاسناد نوشته عبدالله بن جعفر حمیری، (م نیمه دوم قرن سوم)

مؤلف این کتاب عبدالله بن جعفر حمیری از بزرگان علمای قرن سوم هجری است. در این مجموعه، احادیثی که با واسطه کمتری از معصوم نقل شده و سلسله سند کوتاه‌تری دارند، نقل شده است این کتاب دارای سه بخش است؛ قرب الاسناد عن الامام الصادق، قرب الاسناد عن الامام الکاظم و قرب الاسناد عن الامام الرضا. پانزده نامه در این منبع آمده است از این تعداد ده نامه فقهی؛ (قرب الاسناد، ۱۴۱۳: ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۴۰، ۳۴۱)، چهار نامه در بحث امامت، (همان: ۳۳۱، ۳۳۲، ۲۳۳، ۳۳۷)؛ و یک نامه هم نامی امام به خیزران - مادر خلیفه - است که درگذشت فرزندش را به وی تسلیت گفته است. (همان: ۳۰۶)

شخصیت حمیری از دیدگاه شیعه:

حمیری در انتقال تراث، شخصیتی استثنایی و بی‌نظیر است. عصری که او در رقم زندگی کرده با حضور گسترده اصحاب ائمه متاخر در این شهر مقارن بوده و به همین جهت مرادفات علمی او فراهم بوده است. نجاشی در فهرست نام او را در طریق ۷۹ نفر از صاحبان آثار آورده و شیخ طوسی در ۸۰ طریق، نام وی را ذکر نموده است. ابوغالب زاری نیز شماری از کتب اصحاب را از او نقل کرده و به طور مستقل به آن پرداخته است. (بهرامی، ۱۳۹۲: ۴۵). هم‌چنین کتب ثمانیه رجال شیعه، نام وی را ذکر و از او تجلیل نمود؛ چنان‌چه نجاشی می‌گوید:

ابوعباس عبدالله بن جعفر حمیری. شیخ القمیین و وجههم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۹) ابوعباس عبدالله بن جعفر حمیری از بزرگان علمای قم و از چهره‌های درخشان شیعه است. هم‌چنین شیخ در فهرست تعبیر «ثقه» و در رجال «قمی ثقه» به کار برده است. (طوسی، ۱۴۰۴: ۶۰۵). برقی، ابن شهر آشوب. (معالم العلماء، ص ۱۰۸). بروجردی. (طرائف المقال، ۲۰۷/۱). تفرشی. (نقدالرجال، ۲۰۷/۳). اردبیلی. (جامع الرواة، ۴۷۸/۱). مامقانی، تستری. (قاموس الرجال، ۲۸۹/۶). خوبی و علیاری (بهجه الامال فی شرح زبده المقال، ۲۰۶/۵). نیز عبارات شیخ و نجاشی را به کار برد. درباره اهمیت قرب‌الاسناد نیز باید گفت، علامه مجلسی آن را از اصول معتبره و مشهوره می‌داند. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۶/۱). و میرزای قمی آن را از کتاب‌های مورد اعتماد نزد طایفه امامیه شمرده است. (میرزای قمی، ۱۳۷۸: ۳۰/۱).

شخصیت حمیری از دیدگاه اهل سنت:

در بین منابع رجالی اهل سنت، ترجمه‌ای از حمیری به میان نیامده و صرفاً در شرح حال اساتید او، اشاره‌ای به نام وی شده است. (لسان المیزان، ۱۱۵۹/۱). با این وجود شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی وی در منابع اهل سنت مورد ستایش قرار گرفته است.

زرکلی مینویسد: حمیری از فقهای امامیه، و از بزرگان و چهره‌های قم بود که به کوفه آمد، الإمامه و العظمه و التوحید و فضل العرب از کتابهای وی می‌باشد. (زرکلی، ۲۰۰۲م: ۷۶/۴)

المحاسن، نوشته ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰).

برقی و خاندان او در قرن سوم در شهر قم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند (فرهنگ انصاری، ۱۳۸۹: ۱۱ / ۷۴۱) کتاب محاسن وی شامل صد باب از ابواب فقه، حکمت، آداب، علل و شرایع، توحید و سایر مراتب اصول و فروع دین می‌باشد که فقط بخشی از آن موجود است یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت این کتاب این است که محمد بن خالد از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) بوده است. (المحاسن، ۱۳۷۱: مقدمه مصحح) سه نامه در این منبع آمده است نامه اول در بحث امامت — علم غیب امام — (المحاسن، ۱۳۷۱: ۲ / ۳۵۶) نامه دوم فقهی؛ (همان: ۲ / ۴۷۳) و نامه‌ی سوم طبی می‌باشد. (همان: ۲ / ۵۵۳).

شخصیت برقی از دیدگاه شیعه:

درک دوره سه تن از ائمه (امام کاظم، امام رضا و امام جوادع). (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۶۳) از خصایص ویژه وی محسوب می‌شود. مطالعه شخصیت وی در منابع حدیثی حاکی از آن است که اکثر روایات در

کتاب اربعه را به ترتیب از وهب بن وهب، نصر بن سوید، سعد بن سعد اشعری، عبدالله بن مغیره بجلی، محمد بن سنان، قاسم بن عروه و محمد بن ابی عمیر داشته است و جزء وهب بن وهب که ضعیف و کذاب خوانده شده است و قاسم به عروه و محمد بن سنان که هر چند اختلاف نظرهایی درباره ایشان وجود دارد ولی قابل دفاع هستند، بقیه مشایخ وی در درجه بالایی از وثاقت قرار دارند. (حسینی و بهرامی، ۱۳۹۱: ۴۷). نجاشی درباره وی می‌گوید: احمد بن محمد بن خالد اصله کوفی ... کان ثقة فی نفسه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶).

شیخ طوسی او را ثقة می‌خواند. (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۶۳). ولی ابن غضائری با عبارت « حدیثه يعرف و ینکر، یروی عن الضعفا کثیرا و یعتمد المراسل ». (ابن غضائری، ۹۳/۱). به شخصیت وی خرده گرفته است. اکثر رجالیان دیگر که از وی نام برد توثیق شیخ را مقدم دانستند. علامه حلی در خلاصه الاقول می‌نویسد: « والاعتماد عندی علی قول الشیخ ابی جعفر الطوسی ». (۱۳۹).

شخصیت برقی از دیدگاه اهل سنت:

روایت نسخه کتاب اصرم بن حوشب بجلی که عامی، ولی ثقة است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۰۷) و عبدالملک بن هارون بن عترة شیبانی که « لم یکن متحققا بأمرنا » خوانده شده. (همان، ۲۴۰). نشان از تعامل وی با اهل سنت دارد و در سند احادیث اهل سنت واقع شده است. ابن حجر عسقلانی درباره وی می‌گوید: احمد بن محمد بن خالد البرقی. اصله کوفی من کبار الرافضة. (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۰۲، ۱/ ۶۰۱).

بصائر الدرجات نوشته ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی (م ۲۹۰)

ابن صفار قمی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بوده است کتاب وی یکی از معتبرترین اصول قدمای شیعه است و از زمان نگارش تا کنون پیوسته مورد توجه علما و فقهای بزرگ شیعه بوده و در جوامع حدیثی مورد استفاده قرار گرفته است و دارای ۱۸۸۱ حدیث است که درباره فضائل رسول خدا (ص) و ائمه (ع) نوشته شده است. (بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: مقدمه مصحح) دو نامه در این منبع آمده است؛ نامه اول در بحث امامت (همان: ۲۶۳) و نامه دوم فقهی است (ص ۲۵۱)

شخصیت محمد بن حسن صفار از دیدگاه شیعه:

یکی از یاران امام حسن عسکری (ع) و شخصیت‌های بزرگ قرن سوم هجری است که نجاشی وی را چنین توصیف کرده است: « محمد بن حسن بن فروخ صفار یکی از چهره‌های درخشان شیعه در شهر قم بوده، وی شخصیتی مورد اطمینان و دارای ارزشی والا است. » (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴) به

طور کلی وی یکی از شخصیت‌هایی است که در میان متکلمان و اندیشمندان نخستین امامیه از جایگاه والایی برخوردار بوده و روایات او بر بسیاری از روایات ترجیح داده می‌شود. مولفان بزرگی مانند محمد بن علی بابویه؛ محمد بن قولویه؛ حسن طبرسی؛ ابن طاووس؛ محمد بن یحیی از وی حدیث نقل نمودند و علاوه بر کتاب بصائر الدرجات که تنها اثر باقی‌مانده از اوست، نجاشی ۳۶ اثر دیگر از آثار نفیس او را بر شمرده است. با این وجود همواره جایگاه وی از نظر پژوهشگران حوزه تاریخ و اندیشه کلام امامیه آن‌چنان که شایسته وی است مغفول مانده و در تحقیقات اخیر عناوینی دیده می‌شود که تا حدودی پرده از برخی ابعاد اندیشه‌ای صفار مانند دیدگاه او در مسئله علم امام و ولایت تکوینی ائمه برداشته است. (غفوری نژاد و ملانوری شمسی، ۱۳۹۶: ۶۴).

شخصیت محمد بن حسن صفار از دیدگاه اهل سنت:

در برخی منابع اهل سنت به وی اشاره شده است. به طور مثال کحاله مینویسد: محمد بن الحسن بن فروخ الصفار (ابوجعفر) فاضل توفی بقم. (کحاله، بی‌تا: ۲۰۸/۹)

تفسیر فرات الکوفی، نوشته فرات بن ابراهیم کوفی (م ۳۰۷)

این کتاب در موضوع تفسیر قرآن بر اساس روایات و اخبار غالباً شیعی به زبان عربی منتشر شده است. از آنجا که این تفسیر از کهن‌ترین تفاسیر تاریخ اسلام و بالأخص شیعه است، در معرفی این تفسیر، معمولاً به قدمت و تقدم آن توجه می‌شود. هم‌چنین شخصیت مؤلف «ابراهیم بن فرات کوفی» نیز به سبب ذکر در کتب رجالی، بیش از خود کتاب مورد توجه قرار گرفته است. در این منبع یک نامه نقل شده است (تفسیر فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۸۳) عبدالله بن جندب از امام طلب موعظه برای عاقبت به خیری نموده است و امام هم وی را موعظه نموده است.

شخصیت فرات بن ابراهیم از دیدگاه شیعه:

فرات بن ابراهیم شخصیتی فاضل و اندیشمند بوده و از علوم فراوانی بهره‌مند بوده است. از قرن چهارم به بعد بسیاری از عالمان بزرگ شیعه فرات و تفسرش را معتمد دانسته و از آن روایت کردند. (زنجانی اصل، دانشنامه اسلام، ذیل مدخل تفسیر فرات کوفی). بعدها محدثانی مانند علامه مجلسی. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۷/۱). و شیخ حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۱۱: ۳۹۴/۹). فرات و روایاتش را در نهایت حسن و قابل اعتماد دانستند و به پیروی از آنان عالمان دیگر به تفسیر فرات رجوع و از او روایت کردند. علامه مجلسی درباره وی می‌گوید: «اگر چه در کتاب‌های رجالی نامی از فرات بن ابراهیم نیست، اما با توجه به کتاب تفسیر وی و موافقت آن با روایات معتبره‌ای که وی در نقل احادیث داشته برای

انسان حسن ظن و اطمینان نسبت به وی ایجاد می‌شود». هم‌چنین علامه حلی می‌گوید: علی بن ابراهیم ثقه در حدیث، مورد اعتماد در نقل، دارای مذهب صحیح. (حلی، بی‌تا: ۱۳۵)

شخصیت فرات بن ابراهیم از دیدگاه اهل تسنن:

علاوه بر علمای شیعه برخی علمای اهل سنت از جمله حاکم حسکانی در شواهد التنزیل از وی روایت کردند... یاقوت حموی درباره وی می‌نویسد: علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، ابن ندیم و نیز ابوجعفر او را در زمره مؤلفین شیعه امامیه یاد کرده و گفته است او کتاب‌های زیادی دارد از جمله: کتاب تفسیر، کتاب ناسخ و منسوخ، کتاب مغازی، کتاب شرائع، کتاب قرب الاسناد، کتاب مناقب، کتاب اخبار و روایات قرآن. (حموی، ۱۴۱۴: ۴ / ۱۶۴۱)

تفسیر العیاشی، نوشته محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰)

این کتاب از تفسیرهای کهن امامی، متعلق به عصر غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹) است؛ که مشتمل بر تفسیر روایی قرآن از آغاز تا پایان سوره کهف است، اما بر اساس مطالبی که از این تفسیر در آثار دوره‌های بعدی آمده، احتمالاً در اصل، شامل تمامی قرآن بوده است. در این منبع دو نامه از نامه‌های امام نقل شده است و موضوع هر دو نامه فقهی است (العیاشی، ۱۳۸۰: ۱۸۵)

شخصیت عیاشی از دیدگاه شیعه:

عیاشی از اکابر شیعه و فقیهی بزرگوار و وارسته است که در بسیاری از علوم از جمله: فقه، اصول، فلسفه، حدیث، رجال... تبحر فراوان داشته است. بزرگی عیاشی سمرقندی به عنوان مروج اندیشه‌های شیعی چنان بوده است که بسیاری از دانشمندان ج اسلام لب به ستاشی وی گشودند. نجاشی وی را چنین توصیف می‌کند: محمد بن عیاش، موثق و بسیار راستگو است، رئیسی از رؤسای این طایفه است... ابو عبدالله حسین بن عبیدالله گفت: از قاضی ابا الحسن علی بن محمد شنیدم که گفت: ابوجعفر زاهدی برای ما گفته است: ابونضر همه ترکه پدرش را بر علم و حدیث انفاق نمود و ترکه پدرش سیصد هزار دینار بود و خانه‌اش مثل مسجد از مردم پر بود (و برخی از این مردم) استنساخ کننده یا مقابله گر یا قاری یا تعلیق نویس بودند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۰-۳۵۱)

هم‌چنین شیخ طوسی درباره وی می‌گوید: «عیاشی در میان اندیشمندان مشرق از لحاظ علم و فضل و ادب و فهم و بزرگواری از همه علمای زمان خود فرونی داشته است. بیش از دویست تصنیف دارد. (دوانی، ۱۳۸۸: ۳۱۲/۲).

شخصیت عیاشی از دیدگاه اهل تسنن:

علاوه بر علمای شیعی، عیاشی نزد علمای اهل سنت نیز شناخته شده و دارای جایگاه ویژه‌ای است. ابن ندیم مینویسد: مسعود العیاشی اهل سمرقند است. او از فقهای شیعه امامیه، یگانگی روزگار خودش در کثرت علم است و برای کتاب‌هایش در خراسان جایگاهی ویژه است. (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۲۴۰)

الکافی، نوشته محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹)

این کتاب که از کتب اربعه حدیثی شیعه است و سبک کتب جامع را دارد، یعنی همه شاخه‌های معارف اسلامی در آن مورد توجه قرار گرفته است (پاکتچی، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۷۰)

- بیست و پنج نامه از نامه‌های امام کاظم (ع) در این منبع آمده است، از این تعداد ۱۶ نامه فقهی؛ (الکافی ۱۴۰۷: ۳/۳۳۲، ۳۲۶؛ ۴/۱۷۲، ۳۲۰، ۳۲۱؛ ۶/۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۲؛ ۷/۲۰، ۲۹، ۴۴، ۱۲۶، ۱۵۳، ۱۵۴، ۴۳۰؛ ۴/۱۲۴)

- چهار نامه در بحث امامت - تصریح به امامت امام رضا (ع) و علم غیب امام - (همان: ۱/۳۱۲، ۳۱۳؛ ۷/۵۳؛ ۸/۳۸۳)؛ دو نامه در بحث توحید است - نهی از تشبیه پروردگار و ایمان و کفر- (همان: ۱/۱۴۰؛ ۲/۳۹۹) دو نامه تعلیم دعاست - دعا در سجده شکر، دعا برای پرداخت دین (همان: ۲/۵۵۵؛ ۳/۳۲۸) و یک نامه امام هم نهی از قیام است - امام یحیی بن عبدالله را از قیام نهی کرده است - (همان: ۱/۳۶۶).

شخصیت کلینی از دیدگاه شیعه:

علمای بزرگ شیعه هیچ گاه سخن یا کنایه‌ای که بر قدح یا سرزنشی از کلینی باشد سخنی نگفتند، و جملگی بر بزرگی شخصیت علمی، زهد و توق و وثاقت او اتفاق نظر دارند از جمله: نجاشی در توصیف وی می‌گوید: کلینی در حدیث و نقل آن مورد اعتمادترین افراد و در عین حال دقیق‌ترین آنان در ثبت و ضبط احادیث بود، کلینی کتاب بزرگ خودش کافی را در مدت بیست سال تصنیف و تحریر نمود. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۷)

طوسی مینویسد کلینی فردی جلیل‌القدر و عالم به روایات است، تصنیفاتی دارد و کتاب معروف او کافی از آن تصنیفات است؛ علامه حلی وی را موثق‌ترین و معتمدترین مردم در حدیث معرفی کرده است. (حلی ۱۴۱۷: ۱۰/۲۳۵). همچنین سید ابن طاووس می‌گوید: کلینی کسی است که همه علماء بر وثاقت و امانت او اتفاق دارند. (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۱۵۹). علامه مجلسی از او با اوصاف صدوق؛ ثقة الاسلام؛ مقبول طوائف مردمان و ممدوح خاص و عام یا کرده است. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۴/۱۸).

سید بحر العلوم بعد از ذکر گوشه‌ای از احوال علمای شیعه درباره کلینی تعبیر عجیبی به کار برده است مانند: و هر کس که در این کتاب (کافی) بنگرد و در آن تدبر کند، او را به راستی مصداق این حدیث (مجدد دین در سده سوم) می‌یابد؛ کتابی پرشکوه و بی‌نظیر که بر تمامی کتاب‌های حدیث از حیث حسن ترتیب و ضبط و تهذیب و جامعیت اصول و فروع... که در آن ۱۶۱۹۹ حدیث گرد آمده است. و من این سخن را به دست‌خط علامه، به نقل از شهید در کتاب «الذکری» دیدم و گفته است: «احادیث گردآمده در کافی به تنهایی، از مجموع احادیث موجود در صحاح سته جمهور (اهل تسنن) بیشتر است». (بحر العلوم، ۱۳۶۳: ۳۳۱/۱).

شخصیت کلینی از دیدگاه اهل تسنن:

بسیاری از علمای اهل سنت از کلینی به نیکی یاد کردند؛ ذهبی در توصیف وی می‌گوید: «ابوجعفر کلینی رازی شیخی فاضل و مشهور از بزرگان و فقهای شیعه است.» (ذهبی، ۱۴۰۹: ۲۴/۲۵۰) ابن حجر عسقلانی در کتاب تبصیر المشتبه از کلینی با تعبیر (از برترین فضالای شیعه در روزگار عباسی) یاد نموده و در لسان‌المیزان خود که از کتابهای مهم رجالی اهل تسنن است و خیلی از رجال سنی را نقد کرده است از کلینی به نیکی یاد کرده: «...و او را از فقهاء و مصنفین بزرگ مذهب شیعه میدانند». (عسقلانی، ۸۵۲ق: ۴۳۳/۵). ابن عساکر، مورخ بزرگ اهل سنت در تاریخ دمشق، هر چند در آغاز از او با تعبیر «من شیوخ الرافضه» نام برد؛ ولی به طور ضمنی از او به بزرگی یاد کرده و به صورت مفصل درباره او و مشایخ و شاگردان او به نیکی یاد کرد. (غائی، ۱۳۸۷: ۴۵).

رجال الکشی نوشته محمد بن عمر کشی (م. ن. ۱. قرن ۴)

رجال کشی یکی از چهار کتاب اصلی علم رجال در بین علمای امامی است، این کتاب علاوه بر جنبه رجالی، حاوی آگاهی‌های تاریخی از تشیع در عصر اول دوران حیات ائمه است. در این منبع چهار نامه از امام نقل شده که گرچه در ظاهر سوالات فقهی است اما امام (ع) در عین پاسخ به سؤال شخصیت یکی از افراد مورد نظرش را تأیید کرده است به طور مثال در نامه‌هایی که در صفحه ۲۶۹ و ۴۳۴ آمده امام شخصیت علی بن یقطین را تأیید کرده است و در نامه صفحه ۴۸۹ شخصیت یونس بن عبدالرحمان؛ همچنین در نامه صفحه ۲۷۹ از هشام بن حکم تمجید کرده است.

شخصیت کشی از دیدگاه شیعه:

منابع رجالی شیعه، کشی را فردی ثقه، آگاه به اخبار و رجال و دارای علم فراوان دانستند؛ هر چند بر این موضوع که وی از راویان ضعیف نیز روایت نقل نموده تأکید داشتند. رجالیان در بیان مذهب

کشی، عباراتی مانند حسن الاعتقاد و مستقیم المذهب را به کار بردد که این موضوع دال بر شیعه بودن وی دارد. شیخ طوسی در توصیف وی می‌گوید: محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی صاحب کتاب رجال، مورد اعتماد، آگاه به رجال و روایات، درست مذهب. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۴۰)

شخصیت کشی از دیدگاه اهل تسنن:

در برخی منابع اهل سنت نیز به شخصیت وی اشاره شده است. کحاله مینویسد: محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی شخص فاضلی است، در سال ۳۴۰ هجری وفات کرد، کتاب رجال نوشته اوست. (کحاله، بی تا: ۸۵ / ۱۱)

تحف العقول عن آل الرسول، نوشته ابن شعبه حرانی (م ۳۸۱)

ابن شعبه حرانی از روات بزرگ شیعه به شمار می‌آید و روایات او مورد استفاده مجموعه‌های بزرگ روایی مانند بحارالانوار و وسائل الشیعه و نیز مورد توجه علما و فقهای شیعه واقع شده است (تحف العقول، ۱۳۶۳: مقدمه مصحح،) — یک نامه در تحف العقول آمده است که در بحث توحید می‌باشد. علم پروردگار. (همان: ۴۰۸)

شخصیت ابن شعبه از دیدگاه شیعه:

ابن شعبه یکی از شخصیت‌های برجسته و از چهره‌های درخشان فقها و حدیث‌شناسان قرن چهارم هجری است و هر چند در کتاب‌های رجالی نامی از وی آورده نشده است، ولی بسیاری از متأخران به وثاقت وی تصریح نمودند. حر عاملی درباره وی می‌گوید ابن شعبه فاضل، محدث بزرگوار، کتاب تحف العقول عن آل رسول از آن اوست، کتابی زیبا، دارای فواید بسیار و مشهور است. (حرعاملی، ۱۴۱۱: ۲ / ۷۴). کتاب وی را نیز از کتاب‌های مشهور شیعه محسوب نموده و روایات آن را حجت می‌داند. (حرعاملی، ۱۳۹۵، ۴۲/۲).

موسوی خراسانی نیز درباره وی و کتابش می‌گوید: « حدیث‌شناس بزرگ، ابن شعبه حرانی حلبی، فقیهی اندیشمند و متبحری بزرگ و شخصیتی سرشناس است. او کتابی به رشته تحریر درآورده که اصحاب و علمای شیعه بر آن اعتماد کردند». (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰: ۲ / ۲۹۰). علامه مجلسی نیز درباره ابن شعبه چنین می‌گوید: « نظم و ترتیب آن، دلالت بر بلندی مرتبه مولفش می‌کند و اکثر مطالب آن، در مواظ و اصول ثابت‌شده‌ای است که در آن‌ها نیازی به ذکر سند نیست». (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۹/۱).

شخصیت ابن شعبه از دیدگاه اهل تسنن:

اهل سنت نیز به شخصیت علمی وی اذغان داشته و در نوشته‌های مختلف به ویژگی و جایگاه والای علمی وی اشاره داشتند. ابن شعبه حرانی حلبی فقیه و محدث، تحف العقول از آثار اوست. (کحاله، بی تا: ۲۵۲/۳)

کتاب من لا یحضره الفقیه، نوشته شیخ صدوق (م ۳۸۱)

این کتاب یکی از کتب اربعه شیعه است که در موضوع فقه و حلال و حرام و قوانین و مقررات شرع از طهارات تا دیات نوشته شده است و پیوسته مورد توجه علمای شیعه بوده و در کتب روایی قرون بعد به این منبع استناد نموده‌اند. ابن بابویه در این کتاب سه نامه از نامه‌های فقهی امام کاظم (ع) را نقل می‌کند، دو نامه در باب نکاح (من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳ / ۴۶۰، ۴۷۶) و یک نامه سؤال از احرام حج تمتع (همان: ۲ / ۳۸۵) است.

عیون اخبار الرضا، نوشته ابن بابویه قمی ملقب به صدوق (م ۳۸۱)

این کتاب یکی از جامع‌ترین و معتبرترین کتب شیعه در تاریخ امام رضا (ع) هست، نویسنده مجموعه روایت‌هایی را که درباره امام رضا (ع) یا از آن حضرت نقل شده است جمع آوری نموده است. شیخ صدوق در عیون دو نامه از امام (ع) نقل می‌کند و هر دو نامه هم اشاره به وصایت و جانشینی امام رضا (ع) است. (صدوق، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۷، ۲۸)

امالی شیخ صدوق (م ۳۸۱)

این کتاب که بیشتر امور اخلاقی، تاریخی و فضائل نگاری برای خاندان پیامبر (ص) است (صدوق، امالی مقدمه مصحح) تنها یک نامه از امام کاظم (ع) نقل کرده و آن هم موعظه امام به هارون الرشید خلیفه عباسی است. (امالی، ۱۳۷۶: ۵۰۹) بیشترین دوره امامت امام کاظم (ع) در دوران خلافت هارون بوده است رابطه امام با هارون را طبق روایات موجود می‌توان به سه دسته تقسیم کرد روایتی که نشان می‌دهد حضرت رابطه دوستانه با هارون داشته است. (امالی، ۱۳۷۶: ۴۵۸؛ فصولاً لمهمه ۱۴۲۲: ۳ / ۳۷۸) دسته دوم روایاتی است که نشان از دشمنی هارون با امام کاظم (ع) دارد مانند زندانی کردن و تهدید به قتل و نهایتاً به شهادت رساندن امام توسط سندی بن شاهک (الکافی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۱۹؛ الارشاد، ۱۴۱۳: ۲ / ۲۳۷)؛ دسته سوم درباره سؤال‌های هارون و پاسخ امام از سؤالات است (اختصاص، ۱۴۱۴: ۱۹۸)؛ نامه ای که در امالی از امام نقل شده از قسم سوم می‌باشد.

التوحید، نوشته شیخ صدوق (م ۳۸۱)

صدوق این کتاب را در رد اتهامات مخالفینی نوشت که به علمای شیعه نسبت تشبیه و جبر می‌دادند. (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۷) در این کتاب یک نامه از امام نقل شده، راوی از امام در مورد معرفت پروردگار سؤال نموده و امام به وی پاسخ داده است. (همان: ۲۸۴)

شخصیت شیخ صدوق از دیدگاه شیعه:

شیخ صدوق در بین مردم از موقعیت خاصی برخوردار بوده و مورد اطمینان تمامی فقهای شیعه قرار داشته است و تعبیر دو رجالی معروف شیعی؛ یعنی نجاشی و حلی از او به « شیخ القمیین فنصره». «متقدمهم» و « فقیههم». (نجاشی، ۸۹/۲ و طوسی، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال ص ۱۷۸). نشان می‌دهد که او منصب مرجعیت شیعیان قم در روزگار خویش بوده است. نجاشی درباره وی می‌گوید: « بن بابویه القمی ابو جعفر، نزیل الری، شیخنا و فقیهنا و وجه الطائفة بخراسان و کان ورد بغداد سنة خمس و خمسين و ثلاث مائة و ستم منه شیوخ الطائفة و هو حدث السن...» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸۹) بن بابویه قمی ابو جعفر (شیخ صدوق) ساکن شهر ری، شیخ و فقیه ما و بزرگ شیعه در خراسان. در سال ۳۵۵ وارد بغداد شد و بزرگان شیعه از او (حدیث) شنیدند در حالی که او جوان و کم سن و سال بود.

شخصیت شیخ صدوق از دیدگاه اهل تسنن:

از آن جایی که شیخ صدوق مسافرت‌های زیادی جهت یافتن دانش‌های اسلامی داشته است؛ بنابراین از محضر اساتید بسیاری کسب نموده‌اند، که تعداد از آنها از دانشمندان تراز اول اهل سنت در زمینه‌های مختلف حدیث، تفسیر، کلام... بوده‌اند.

کحاله درباره وی چنین می‌گوید: « ابو جعفر، مفسر، فقیه، اصولی، محدث، حافظ و آشنای به رجال... بوده است. (کحاله، بی تا: ۳/۱۱).

ابن بابویه رأس امامیه است ابو جعفر بن موسی بابویه قمی صاحب تصانیف رائج بین رافضه است.

(ذهبی، ۱۴۲۷، ۳۲۱/۱۲)

طب الأئمة علیهم السلام نوشته عبدالله و حسین ابنا بسطام (م قرن ۴)

موضوع این کتاب، روایاتی از ائمه (ع) درباره علم طب و فواید و مضرات مواد غذایی و بیان داروهای گیاهی و ادویه است. مؤلفان این کتاب، تصمیم به تدوین کتابی گرفتند که دستورات بهداشتی اسلام را از زبان ائمه معصومین (ع) بیان کند. کتاب، از کتب مورد استناد بزرگانی چون شیخ حر عاملی در «وسائل

الشیعۀ» و علامه مجلسی در «بحارالانوار» است. دو نامه از نامه‌های امام در این منبع آمده است و هر دو نامه تعلیم دعا برای درمان مریضی بوده است. (ابن‌بسطام، ۱۴۱۱: ۵۱، ۱۰۰)

شخصیت ابنا بسطام از دیدگاه شیعه:

عبدالله و حسین بن بسطام دو راوی بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری دو فقیه ثقه، برای گسترش اندیشه‌های بزرگان عصمت و طهارت علیهم السلام تلاش فراوان نمودند. نجاشی در بیان شخصیت آن دو می‌گوید: « حسین بن بسطام به همراهی برادرش کتابی در علم طب نگاشته است که دارای نکات سودمند فراوانی است. آنان در این کتاب به بیان طب از راه مواد غذایی و فواید آن و همچنین از راه ادعیه پرداخته‌اند. حسین شخصیتی اهل علم بوده و از ادبیاتی قوی برخوردار بود و قدرت شعر و خط زیبایی داشت. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹)

شخصیت ابنا بسطام از دیدگاه اهل تسنن:

ابن حجر عسقلانی در توصیف وی می‌گوید: «الحسین بن بسطام. ذکره ابن النجاشی فی رجال الإمامیه و ذکر أن له تصنیفا حسنا فی الطب.» (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۰۲: ۳/ ۱۵۱)

الارشاد الی معرفه حجج الله علی العباد، نوشته محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید

(م ۴۱۳)

شیخ مفید، کتاب «الارشاد» را در سال ۴۱۱ ق، نگاشته؛ یعنی دو سال قبل از وفات و در اوج شهرت علمی که این امر بر ارزش کتاب می‌افزاید. این کتاب از معتبرترین منابع روایی شیعه، درباره زندگانی ائمه (ع) به شمار می‌آید و بسیاری از منابع مهم شیعه که به زندگانی ائمه پرداخته‌اند، این کتاب را مستند خود قرار داده‌اند. دو نامه از نامه‌های امام در این منبع نقل شده و هر دو اشاره به علم غیب امام دارد (الارشاد، ۱۴۱۳: ۲/ ۲۲۵، ۲۲۷) هر دو نامه هم به علی بن یقظین بوده که امام برای حفظ جان او به وی دستور داد طبق فتوای اهل سنت وضو بگیرد چرا که بخاطر سعایت اطرافیان هارون جان علی بن یقظین در خطر بود و امام با توجه به علم غیب خود از این جریان آگاه شد. علی از عوامل نفوذی شیعه در دربار عباسی و وزیر هارون بود؛ که بر خلاف میل باطنی خود، به دستور امام در دستگاه عباسی مشغول فعالیت بود؛ رجالیون وی را از کسانی می‌شمردند که شیعیان توسط وی مشکلات خود را مرتفع می‌کردند وی در نامه ای به امام از بودن در دستگاه خلافت اظهار ناراحتی کرد امام به ایشان فرمود: (ای علی خداوند اولیایی در کنار ظالمان دارد که بوسیله آنها بلا را از اولیای خودش دفع می‌کند و تو جزء آنان هستی) (کشی، ۱۴۰۹: ۴۳۳) روایات زیادی درباره فضیلت علی بن

یقطين نزد امام نقل شده است (مامقانی، ۱۳۵۰: ۲/ ۸۵۶۴) وی سرانجام در سال ۱۸۲ و در زمانی که امام کاظم (ع) در زندان هارون بود درگذشت.

شخصیت شیخ مفید از دیدگاه اهل شیعه:

شاید بتوان گفت شیخ مفید از معدود افرادی است که در میان شیعه و اهل سنت در بین بسیاری از علما تا این حد مورد تمجید قرار گرفته است که در ذیل به خاطر عدم بررسی تمامی موارد به ذکر چند مورد اکتفا خواهیم کرد. محمد بن محمد بن نعمان، شیخ و استاد ما، فضلش در فقه، کلام، روایت، وثاقت و علم مشهورتر از آن است که وصف شود. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۹) همچنین شیخ طوسی می‌نویسد: محمد بن محمد بن نعمان، جلیل و ثقه است. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۴۹) علامه حلی می‌گوید: « مفید معروف به ابن المعلم بود و از بزرگترین مشایخ شیعه و رئیس و استاد آنهاست. کلیه دانشمندان ما که بعد از وی آمده‌اند از دانش او استفاده نموده‌اند. فضل و دانش او در فقه و کلام و حدیث مشهورتر از آن است که به وصف آید. او موثق‌ترین و داناترین علمای عصر خود بود. ریاست علمی و دینی طایفه شیعه امامیه در زمان او به وی منتهی است.

شخصیت شیخ مفید از دیدگاه اهل تسنن:

علمای اهل سنت نیز مانند شیعه جایگاه والایی برای وی برخوردار بودند، چنانچه ذهبی می‌گوید: شیخ مفید معروف است به ابن معلم، وی دانشمند شیعه و امام رافضیان (شیعیان) است و تصانیف بسیاری دارد. (ذهبی، بی‌تا: ۲/ ۲۲۵) ابن ندیم در فن دوم از مقاله پنجم الفهرست، که درباره متکلمان شیعه بحث می‌کند، از وی به عنوان ابن العلم یاد کرده و او را ستایش می‌کند. (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۲۳۹) ابن حجر عسقلانی نیز می‌گوید: « او بسیار عابد و زاهد و اهل خشوع و تهجد بود و مداومت بر علم و دانش داشت. جماعت بسیاری از محضر او بهره بردند او بر تمامی شیعیان حق دارد». (عسقلانی، ۲۰۰۲: ۷۸/۳).

تهذیب الاحکام نوشته ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰)

این کتاب یکی از چهار منبع حدیث و فقه شیعه است که بر مبنای شرح کتاب «مقنعه» تألیف شیخ مفید (م ۴۱۳) نگاشته شده است این کتاب با داشتن بیشترین احادیث فقهی نسبت به سایر کتب اربعه، از مهم‌ترین منابع استنباط فقهی شیعه به شمار می‌آید. چهارده نامه از نامه‌های فقهی امام کاظم (ع) در این منبع نقل شده است از بین نامه‌ها شش نامه در باب نماز (تهذیب، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۹، ۲۱۵، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۷۵؛ ۳/ ۲۳۱)؛ دو نامه در باب وصیّت (همان: ۹ / ۱۹۵، ۲۲۶)؛ دو نامه در باب نکاح (

همان: ۷ / ۲۵۵؛ ۴۶۷؛ یک نامه در باب طلاق (همان: ۸ / ۸۶)؛ دو نامه در باب خرید و فروش (همان: ۷ / ۳۳؛ ۸ / ۲۹۳) و یک نامه در باب حج (همان: ۵ / ۴۳۹) است.

شخصیت شیخ طوسی از دیدگاه شیعه:

شیخ طوسی متکلم، فقیه و محدث بزرگ جهان اسلام است. بسیاری از محققان وی را تدوین‌کننده اساسنامه تشیع در فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می‌کنند. علامه حلی در این باره می‌گوید: «شیخ طوسی پیشوای دانشمندان شیعه و رئیس طایفه امامیه صاحب‌نظر در علوم اخبار، رجال، فقه، اصول، کلام و ادب بوده است... او عقاید شیعه را در اصول و فروع آن دسته‌بندی و اصلاح کرده است». (طوسی، ۱۴۱۴: ۱۴۸). نجاشی درباره وثوق وی می‌گوید: «ابوجعفر جلیل فی أصحابنا، ثقة، عین»، (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ص ۴۰۳) ابوجعفر، دارای جایگاه رفیع بین شیعیان، مورد اعتماد و بزرگوار. هم‌چنین علامه بحرالعلوم در رابطه با شیخ طوسی می‌گوید: «ابوجعفر حسن بن علی طوسی شیخ الطائفة المحقة و برپادارنده پرچم‌های شریعت حقه، پیشوای فرقه بعد از ادمه معصومین و تکیه‌گاه شیعه امامیه در کلیه موضوعاتی است که به مذهب و دین تعلق داشته است». (بحرالعلوم، ۱۳۶۳: ۲۲۸/۳).

شخصیت شیخ طوسی از دیدگاه اهل تسنن:

با وجود اینکه شیخ طوسی شیعی بوده و بدون شک در دفاع از اصول و اعتقادات شیعه کوتاهی ننموده است، ولی شیخ در حوزه‌های مختلف و با دوری از تعصب قومی و نژادی و فکری از علمای اهل سنت روایات فراوانی نقل می‌کند. مورخان اهل سنت از وی با عناوینی مانند فقیه الشیعه. (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۱۹/۱۲). فقیه الامامیه. (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۶۳۷/۹). و شیخ الشیعه نام برده‌اند چنان‌چه ذهبی درباره وی می‌گوید: «ابوجعفر الطوسی شیخ الشیعه و صاحب التصانیف... اخذ الکلام و اصول القوم عن الشیخ المفید رأس الامامیه و لزمه و برع...» (ذهبی، ۱۴۲۷، ۱۸ / ۳۳۴) ابوجعفر طوسی شیخ شیعه و صاحب تصنیفات است... کلام و اصول را از شیخ مفید که بزرگ امامیه بود فرا گرفت، وی ملازمت شیخ را اختیار نمود و به مقام بالا رسید.

مکارم الاخلاق، نوشته حسن بن فضل طبرسی (م ۵۴۸)

کتاب «مکارم الأخلاق» نوشته فضل بن حسن طبرسی، از معروف‌ترین کتاب‌های این موضوع است که مورد توجه علماء بوده است. در این منبع یک نامه از امام با موضوع تعلیم دعا برای رفع گرفتاری نقل شده است. (مکارم الاخلاق، ۱۴۱۲: ۳۴۷).

شخصیت طبرسی از دیدگاه شیعه:

علمای بزرگ و شرح حال نگاران از طبرسی به عنوان مجتهد و فقیهی بزرگ یاد نموده‌اند. رازی می‌نویسد: حسن بن فضل طبرسی، ثقه (مورد اعتماد)، فاضل، متدین و بزرگ بود. (رازی، ۱۳۶۶: ۹۶-۹۷) افراد دیگری مانند قاضی شوشتری، علامه مجلسی، شیخ یوسف بحرانی، سیدمحسن عاملی... هر یک به نوبه خود در عدل و وثاقت و فضل و علم وی سخن گفته‌اند که در این مقاله نمی‌گنجد. به عنوان مثال علام امینی درباره مقام علمی طبرسی می‌نویسد: امین الاسلام معروف به شیخ طبرسی پرچم‌دار علم و آیت هدایت بود. وی برجسته‌ترین زعمای دین و پیشوایان مذهب شیعه به شمار می‌آید. (پورامینی، ۱۳۸۵: ۲۳۰/۱).

شخصیت طبرسی از دیدگاه اهل تسنن:

طبرسی نزد علمای اهل سنت، حتی افرادی که رویکردی خوبی نسبت به شیعه ندارند دارای عظمت است. از جمله ذهبی که در بیان شخصیت ذهبی، وی را متبحر در علوم مختلف از علم و معرفت دانسته و او را خالی از افراط و تفریط دانسته است ابو حسن بن فضل طبرسی، فاضل، عالم، مفسر، فقیه، محدث، جلیل‌القدر، مورد اعتماد، (شخصیتی) کامل و هوشیار بود. (ذهبی، بی‌تا: ۷۴/۲)

الثاقب فی المناقب نوشته محمد بن علی ابن حمزه طوسی (م ۵۶۶ ق)

این کتاب از نظر محتوا شباهت زیادی به کتاب معاصرش الخرائج و الجرائح راوندی دارد و مؤلف بدون اشاره به زندگی و شرح حال معصومان، فقط به مناقب، آن هم کرامات و حوادث خارق العاده ایشان می‌پردازد در این منبع سه نامه نقل شده؛ دو نامه در باب علم غیب امام (الثاقب، ۱۴۱۹: ۴۳۸، ۲۱۱) و یک نامه، نامه‌های اهالی نیشابور برای امام است؛ — عده ای از بزرگان نیشابور مقداری از اموال خود را جهت پرداخت وجوهات به امام صادق (ع) جمع کردند وقتی خبر شهادت امام به آنها رسید اموال را توسط فردی به اسم ابوجعفر محمد بن ابراهیم نیشابوری به همراه نامه ای که در آن سؤالات متعددی نوشته بود به مدینه فرستادند تا به جانشین امام تحویل دهد وی ابتدا نزد عبدالله افطح رفت ولی چون پاسخ سؤالاتش را نگرفت مضطر شد، به مسجد پیامبر (ص) پناه برد در حال استراحت بود که غلام امام کاظم (ع) نزد او آمد و وی را نزد امام برد امام بدون رؤیت سؤالات به همه سؤال‌ها پاسخ داد و از بین اموال تنها اموال بانوی مومنه‌های به اسم شطیطه را برداشت و برای شطیطه مقداری پول به همراه یک کفن فرستاد و از زمان مرگ او خبر داد و بقیه اموال را به ابوجعفر

نیشابوری برگرداند تا به صاحبان اموال تحویل دهد. ابوجعفر با دیدن کرامات امام به امامت ایشان ایمان آورد و تا پایان مراسم خج آن سال نزد امام بود سپس به نیشابور برگشت... (همان: ۴۳۹)

شخصیت ابن حمزه از دیدگاه شیعه:

ابن حمزه از فقها و متکلمان بزرگ شیعی قرن ششم است که آثار بزرگی در فقه شیعه به یادگاری گذاشته است، هر چند در آثار نیمه دوم قرن ۶ از ابن حمزه نامی برده نشده است، ولی تاثیر فقه او در این آثار مشهود است. اکثر فقها و رجال نویسان از ابن حمزه یاد نموده‌اند. شیخ منتخب‌الدین درباره وی می‌گوید: «امام عمادالدین، ابن حمزه طوسی فقیه، عالم و واعظ است، او تصانیفی هم دارد.» (منتجب‌الدین رازی، ۱۳۶۶: ۱۰۷) هم‌چنین میرزا عبدالله افندی در این باره چنین می‌گوید: «شیخ بزرگوار، ابن حمزه طوسی، فقیه بزرگوار و واعظ گران‌مایه‌ای است.» (افندی اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۲۳/۵).

شخصیت ابن حمزه از دیدگاه اهل تسنن:

فقاقت و واعظ بودن حمزه مورد تأیید اهل سنت نیز قرار گرفته، به عنوان نمونه کحاله درباره وی چنین می‌گوید: امام ا بن علی بن حمزه طوسی مشهدهی، فقیه و واعظ است، وسیله، واسطه، رافع فی الشرائع، ثاقب فی المناقب و مسائل فی الفقه از آثار اوست. (کحاله، بی‌تا: ۴/۱۱)

الدعوات، نوشته سعید بن هبه الله قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳)

این کتاب، حاوی روایات متعدد از معصومین (ع) در موضوع ادعیه و اذکار است. این کتاب را، «الدعوات» می‌خوانند، چون مشتمل بر دعا‌های مختلف در مناسبت‌های گوناگون است. در این منبع یک نامه از نامه‌های امام کاظم (ع) که تعلیم دعا برای برطرف شدن مریضی می‌باشد نقل شده است. (راوندی، ۱۴۰۷: ۱۹۰).

شخصیت راوندی از دیدگاه شیعه:

قطب‌الدین راوندی از جمله مردان بزرگی است که با بهره‌مندی از علوم مختلف و تبحر در آن‌ها حلقه زرینی درسلسله حافظان و راویان معارف اسلامی گردیده است. خوبی درباره وی می‌گوید: «راوندی، فقیه، بزرگ و رئیس (امامیه) صالح و ثقه است» (خویی، ۱۴۱۳: ۹۷/۹) هم‌چنین علامه امینی می‌گوید: «راوندی یکی از پیشوایان علمای شیعه، برگزیده این طایفه و از اساتید بی‌نظیر فقه و حدیث و از نوابغ علم و ادب است. هیچ‌گونه عیبی در آثار فراوانش و تیرگی در فضایل و تلاشها و خدمات دینی و اعمال نیکو و کتب ارزنده‌اش وجود ندارد.» (امینی، ۱۹۷۷: ۳۸۰/۵). عبدالله افندی

اصفهانی نیز در این باره می‌گوید: « شیخ امام و فقیه، قطب‌الدین راوندی شخصی فاضل، عالم، متبحر، فقیه، محدث، متکلم، آشنای به اخبار و احادیث و شاعر بوده است». (افندی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۴۱۹/۲).

شخصیت راوندی از دیدگاه اهل تسنن:

شخصیت برجسته راوندی از نگاه اندیشمندان اهل سنت نیز برجسته بوده چنان‌چه ابن حجر عسقلانی درباره وی می‌گوید: « او در جمیع علوم فاضل است. و در هر نوعی از علوم صاحب تصنیفات بی‌شمار بوده است». (عسقلانی، ۲۰۰۲: ۴۸/۳) قطب‌الدین سعید بن هبه الله راوندی فقیه شیعه و از برترین علمای شیعه بود. (ابن فوطی، بی‌تا: ۳۷۹)

مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، نوشته ابن شهر آشوب بن ابی نصر مازندرانی (م)

(۵۸۸)

ابن شهر آشوب از علمای قرن ششم هجری است. قرنی که دوران شکوفایی علم در بلاد اسلامی را به خود دیده است بیش از ۹۰ کتاب توسط علمای بزرگوار با عنوان مناقب نوشته شده است در بین این کتب، کتاب ابن شهر آشوب را می‌توان یکی از کتب برتر دانست که همگان را به تحسین واداشته است. در این منبع یک نامه از امام نقل شده آن هم در باب علم غیب امام می‌باشد. (مناقب، ۱۳۷۹: ۳۰۴ /۴) این نامه به فردی به اسم علی بن حمزه بطائنی بوده است که امام دستور تهیه چیزی به وی داده و ضمن آن از وی خواست مبلغ مشخصی را که یکی از افراد مراجعه کننده به امام از ایشان خواسته بود به آن فرد پرداخت کند؛ هر چند فرد مبلغ بدهی خود را به امام نگفته بود اما امام به ابن حمزه دستور داد دقیقاً همان مبلغ را به وی بدهد و این ناشی از علم غیب امام بود. لازم به ذکر است علی بن حمزه در ابتدا جزء وکلای مالی امام بود اما پس از شهادت امام با انگیزه تصرف اموالی که نزد وی بود منکر شهادت امام کاظم (ع) شد و ادعا کرد امام نمرده و در آینده رجعت خواهد کرد و وی مؤسس فرقه واقفیه است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۹)

شخصیت ابن شهر آشوب از دیدگاه شیعه:

ابن شهرآشوب همواره در طول زندگی خود در راه احیای مکتب اهل بیت و رشد و استحکام حوزه‌های علوم اسلامی تلاش فراوانی از خود نشان داد و در تمامی علوم اسلامی مقامی بس بلند به دست آورده است و عالمان و بزرگان شیعی به شخصیت والای وی اقرار داشته‌اند. حر عاملی درباره وی چنین می‌گوید: ابن شهرآشوب مازندرانی سروری. عالم، فاضل، موثق، محدث، محقق، آشنا به احادیث و رجال، ادیب و شاعر و جامع تمام کمالات. (حر عاملی، ۱۴۱۱: ۲/ ۲۸۵)

هم‌چنین میرزا حسن نوری در توصیف وی می‌گوید: « فخر شیعه، افضل الاوائل و دریای متلاطم ژرفی که ساحل ندارد، احیاءکننده آثار مناقب و فضائل، رشیدالملئ والدين شمس الاسلام و المسلمین ابن شهرآشوب فقیه، محدث، مفسر، محقق و...». (نوری، ۱۴۱۵: ۵۷/۳). تفرشی می‌نویسد: « محمد بن علی بن شهرآشوب، پیشوای طایفه شیعه و فقیه آنان، شاعری بلیغ و نویسنده بود». (تفرشی، ۱۴۱۸: ۲۷۶/۴).

شخصیت ابن شهرآشوب از دیدگاه اهل تسنن:

جایگاه وی چنان والا است که حتی مورخان و علمای رجال اهل سنت از جمله: ذهبی، ابن حجر عسقلانی و سیوطی. ..وی را ستوده‌اند و از وی به بزرگی یاد نموده‌اند و در حق کمتر کسی از علمای شیعه چنین تجلیل کرده‌اند رشیدالدین مازندرانی شیعی محمد بن علی بن شهرآشوب ابوجعفر سروری مازندرانی، رشیدالدین شیعی یکی از شیوخ شیعه که قرآن را در هشت سالگی حفظ کرد و در اصول شیعه به نهایت رسید، از بلاد مختلف به سوی او کوچ می‌کردند، در علم قرآن و غریب پیشی گرفت در ایام مقتفی (سی و یکمین خلیفه عباسی) در بغداد بر منبر وعظ می‌کرد به نحوی که مایه شگفت مقتفی شد و بر او خلعت پوشانید وی زیبا منظر بود روی و ریش نیکو داشت و زبانی راستگو، گفتگو با او نمکین بود. دارای علم بسیار، خشوع و عبادت و شب زنده داری او بسیار بود و دائم الوضو بود. (صفدی، ۱۴۲۰: ۱۱۸ / ۴)

کشف الغمه فی معرفه الائمه، نوشته بهاءالدین علی بن عیسی اربلی (م ۶۹۳)

این کتاب درباره زندگی نامه و فضایل پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است و مؤلف، انگیزه خود را از نگارش این کتاب، تمسک به ائمه معصومین (ع) و اظهار ارادت به آن خاندان بزرگوار دانسته است. در این منبع هم یک نامه از امام نقل شده است که در باب علم غیب امام است. شخصی با امام در مورد خرید کنیزی مشورت کرد امام فرمود: اگر عمرش کوتاه نباشد باکی نیست یعنی امام به طور غیر مستقیم به فرد سؤال کننده فهماند که عمر او کوتاه است و این در واقع ناشی از علم غیب امام بود. (اربلی، ۱۳۸۲: ۲/ ۲۴۳)

شخصیت اربلی از دیدگاه شیعه:

اربلی به عنوان اندیشمند اسلامی دارای تفکرات و اندیشه‌های ارزشمندی بود. وی به خاطر برخوردار از افکاری والا از مقام و منزلت ویژه‌ای در میان اندیشمندان اسلامی برخوردار است. شیخ حر عاملی درباره وی می‌گوید: شیخ بهاءالدین أبو الحسن اربلی، وی عالمی فاضل، محدث، مورد

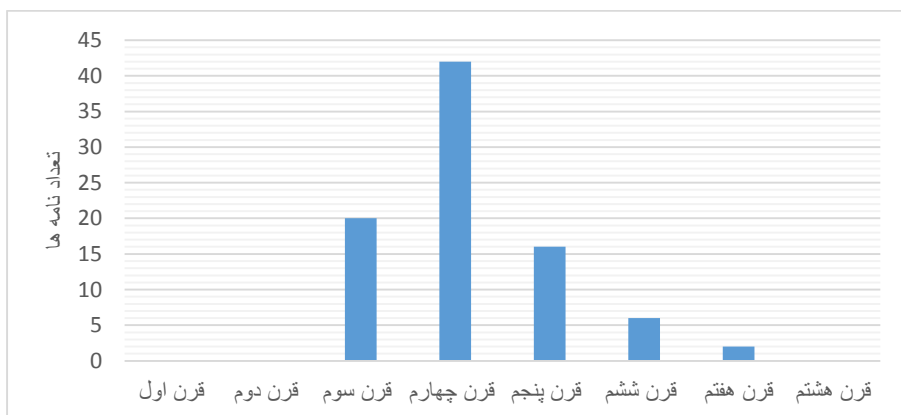
اعتماد، شاعر و ادیب و جامع فضائل و محاسن بود. وی تألیفاتی دارد که کشف الغمه فی معرفه الائمہ از آن جمله است، (کشف الغمه) کتاب جامع و خوبی است وی از تألیف این کتاب در سال ۶۸۷ فارغ شد. (حر عاملی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۹۵)

همچنین علامه امینی در این باره می‌نویسد: «اربلی یکی از دانشمندان و نوابغ کم‌نظیر جهان اسلام است که با داشتن دانش سرشار و معلومات چشم‌گیرش در قرن هفتم هجری درخشید، او در زمره بزرگترین علمای علم ادب پیش از خود قرار دارد با این حال یکی از سیاست‌پردازان عصر درخشان خود بود چنان که حقیقت فقه و حدیث نیز توسط وی آشکار گردید و سنگرهای مذهب به وسیله حمایت شد و کتاب ارزنده کشف‌الغمه بهترین اثری است که درباره تاریخ پیشوایان دین، نشان دادن فضائل آنان و دفاع از حریم‌شان و دعوت به سوی آنان نوشته شده است. این کتاب دلیل قاطع بر دانش زیادف مهارت حدیث، ثبات در مذهب، نبوغ در ادب و مهارت در شعر این دانشمند تواناست.» (امینی، ۱۹۷۷: ۵/ ۹۶۷).

شخصیت اربلی از دیدگاه اهل تسنن:

با بررسی نوشته‌ها اهل سنت راجع به وی می‌توان به جایگاه والای وی نزد آنان پی برد کتبی مینویسد: «بهاء‌الدین ابن امیر فخرالدین اربلی منشی، کاتب بارع (دارای حسن فصاحت فوق‌نظائرش)، دارای شعر و ترسلات، وی رئیس بود و برای متولی اربل ابن صلاحیا (هاشمی علوی) کتابت کرد، وی صاحب تجمل، حشمت، مکارم و شیعه بود و پدرش حاکم اربل بود.» (کتبی، ۱۹۷۴: ۳/ ۵۷)

۶- سیر زمانی نقل‌نامه‌ها:



همان‌طور که در نمودار مشخص است انتقال نامه‌های امام کاظم (علیه‌السلام) در منابع، از قرن سوم با ثبت در کتب قرب الاسناد، المحاسن و بصائر الدرجات آغاز شده و اوج آن در قرن چهارم و در

منابعی همچون تفسیر فرات کوفی، تفسیر العیاشی، الکافی، رجال کشی، التوحید، من لایحضره الفقیه، امالی و تحف العقول بوده است؛ از آنجا که قرن چهارم همزمان با اوجگیری تمدن اسلامی، قرن اوج نوشتاری شیعیان نیز بوده است نامه‌ها در منابع این عصر بیشتر به چشم می‌خورد.

۷- گونه شناسی منابع:

حدیثی

منظور از منابع حدیثی کتبی است که احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در آن گرد آمده است. کتب قرب الاسناد از حمیری، المحاسن از خالد برقی، بصائر الدرجات از صفار قمی؛ اصول کافی از کلینی، تحف العقول از ابن شعبه حرانی، من لایحضره الفقیه از شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا از صدوق؛ تهذیب الاحکام از طوسی، الدعوات از راوندی از منابع حدیثی است.

تاریخ و سیره

موضوع این منابع بیشتر زندگی ائمه، کرامات و علم امام است. کتب الارشاد از شیخ مفید؛ الثاقب فی المناقب از ابن حمزه طوسی؛ مناقب آل ابی طالب از ابن شهر آشوب؛ کشف الغمه از اربلی و الامالی از شیخ صدوق از منابع تاریخ و سیره اهل بیت (ع) است،

تفسیری

تفسیر فرات کوفی و تفسیر العیاشی از منابع تفسیری هستند.

رجالی

این منابع به بررسی احوال و اوصاف راویان حدیث می‌پردازند. رجال کشی از منابع رجالی است.

کلامی

در این منابع به مباحث اعتقادی و جهان بینی دینی بر مبنای استدلال نقلی و عقلی پرداخته می‌شود و به شبهاتی که در این زمینه مطرح می‌شود پاسخ داده می‌شود. توحید صدوق از منابع کلامی و از کتبی است که در رد اتهامات به علمای شیعه نگاشته شده است.

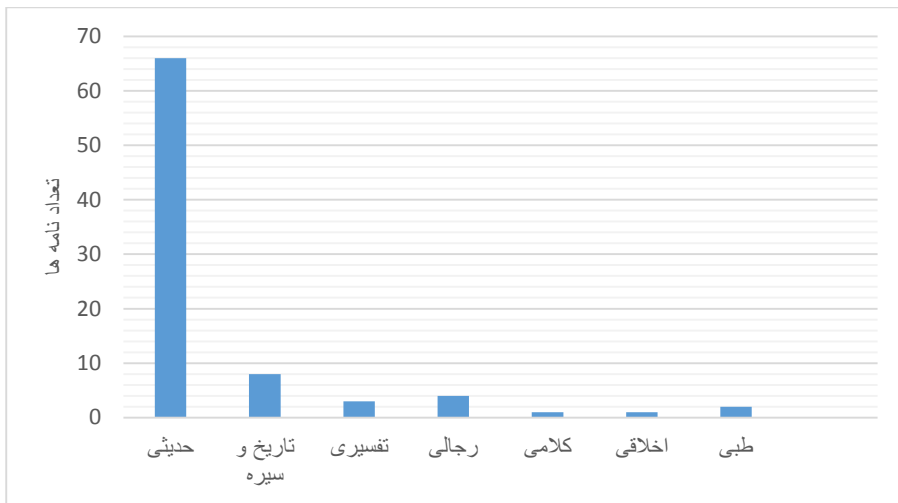
اخلاقی

علم اخلاق شاخه‌ای از علوم انسانی است که موضوع آن شناخت مصادیق ارزش و غیر ارزش است و بیانگر راه‌های کسب فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی است. کتاب اخلاق طبرسی از منابع اخلاقی شیعه است.

طبی

در این منابع فواید و مضرات برخی غذاها همچنین راهکار درمان برخی بیماری ها از ائمه نقل شده است کتاب طب الائمه نوشته ابنا بسطام در علم طب و فواید و مضرات مواد غذایی است.

۸- توزیع نامه ها در منابع



با توجه به نمودار فوق، بیشتر نامه‌های امام کاظم (علیه‌السلام) در منابع حدیثی و تاریخ و سیره ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده است. دلیل این فراوانی این است که منابع حدیثی از آن جهت که نامه‌ها بخشی از سخنان ائمه (علیهم‌السلام) به شمار می‌آیند به ثبت آن مبادرت کرده‌اند؛ و منابع تاریخ و سیره نیز به جهت اینکه نامه‌ها مشتمل بر گوشه‌هایی از زندگانی و تاریخ ائمه (علیهم‌السلام) بوده آن‌ها را نقل کرده‌اند. لازم به ذکر است که نخستین منابعی که نامه‌های امام را منعکس کرده‌اند منابع حدیثی هستند؛ از آنجا که این منابع پیش از منابع دیگر تدوین شده‌اند. میتوان گفت در تمدن اسلامی حدیث پایه علوم و منابع دیگر بوده است.

نتیجه‌گیری:

در مقاله حاضر منبع نامه‌های امام کاظم (ع) حول چند محور مورد بررسی قرار گرفت. از منابع حدیثی کتب قرب الاسناد از حمیری، المحاسن از خالد برقی، بصائرالدرجات از صفار قمی؛ اصول کافی از کلینی، تحف العقول از ابن شعبه حرانی، من لا یحضره الفقیه از شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا از صدوق؛ تهذیب الاحکام از طوسی، الدعوات از راوندی مورد بررسی قرار گرفت؛ نتیجه این بخش از

نامه‌های نشان می‌دهد که موضوع اکثر نامه‌های مذکور مباحث فقهی و اعتقادی مانند توحید و امامت بوده است.

همچنین از منابع تاریخی و سیره اهل بیت (ع) کتب الارشاد از شیخ مفید؛ الثاقب فی المناقب از ابن حمزه طوسی؛ مناقب آل ابی طالب از ابن شهر آشوب؛ کشف الغمه از اربلی و الامالی از شیخ صدوق بررسی گردید، در این منابع نیز که موضوعشان بیشتر زندگی ائمه، کرامات و علم امام است چند نامه از امام نقل شده است. که بیشتر نامه‌ها اشاره به علم غیب امام دارد.

در بین منابع تفسیری که نامه‌های امام را نقل کرده اند نیز تفسیر فرات کوفی و تفسیر العیاشی بررسی شد که موضوع این نامه‌ها فقهی و گاهی موعظه و نصیحت بوده است.

از منابع رجالی نیز رجال کشی که یک نامه از امام نقل میکنند بررسی شد؛ محتوای نامه تأیید ضمنی یکی از اصحاب ایشان است.

توحید صدوق نیز که از منابع کلامی و از کتبی است که در رد اتهامات به علمای شیعه نگاشته شده است مورد بررسی قرار گرفت؛ این منبع یکی از نامه‌های امام که در بحث توحید است را نقل می‌کند.

مکارم الاخلاق طبرسی که از منابع اخلاقی شیعه است و یکی از نامه‌های امام که موضوع آن تعلیم دعا برای رفع گرفتاری است را نقل می‌کند مورد بررسی قرار گرفت.

همچنین کتاب طب الائمه نوشته ابنا بسطام در علم طب و فواید و مضرات مواد غذایی است که در آن دو نامه با موضوع دعا برای برطرف شدن مریضی نقل شده است، مورد بررسی قرار گرفت.

به طور کلی باید گفت: از بررسی این منابع چند نکته بدست آمد: ۱. اکثر نامه‌های امام در منابع حدیثی ذکر شده است و حول مباحث فقهی و اعتقادی مانند توحید و امامت است و این نشان از

اهمیت این مباحث در عصر امام دارد زیرا دوران امامت آن حضرت همزمان با ظهور فرقه‌هایی مانند اسماعیلیه، افطیحه و ناووسیه و... بوده و معارضه آنان با امام در مسئله توحید و امامت بوده است لذا

گاهی برای برخی از افراد سؤالاتی در این خصوص مطرح میشد که امام با نوشتن نامه به سؤالات پاسخ میداد تا از کج‌روی شیعیان جلوگیری نموده و اصول اعتقادی راستین را برای آنان روشن نماید.

۲. نکته دوم میزان وثوق این منابع است، طبق آنچه ذکر گردید، در مجموع می‌توان گفت: آن دسته از روایاتی که در منابع حدیثی و تاریخ و سیره نقل شده است از درجه اعتبار بالاتری نسبت به سایر منابع

برخوردار هستند و شایسته است افرادی که در حوزه فقه قلم می‌زنند و در صدد استدلال فقهی هستند به این نامه‌ها توجه بیشتری داشته باشند. ۳. نکته سوم اهمیت بررسی این گونه نامه‌ها است، زیرا

هم‌چنان که در مطالب پیشین ذکر گردید عصر امام از نظر سیاسی عصر خفقان، و مصادف با بحران‌های سیاسی بوده است، و ارتباط شیعیان با امام محدودیت بسیاری داشته لذا ایشان معارف و احکام دین را در قالب نامه برای شیعیان بیان می‌فرمودند، بنابراین هر چند در این پژوهش صرفاً منابع نامه‌های امام مورد بررسی قرار گرفت، ولی لازم است که تک‌تک این نامه‌ها از نظر محتوا و ساختار مورد بررسی دقیق قرار بگیرد شاید به این وسیله بتوان از نکات مبهم و زوایای پنهان زندگی حضرت که تاکنون در مذهب شیعه تبیین نشده پرده برداشت و به شناخت بهتر و جامع‌تر آن حضرت کمک نمود.

کتابنامه

- ابن ابی الثلج (۱۴۱۰)، **تاریخ اهل البيت**، چاپ اول، قم: آل البيت.
- ابن اثیر، محمد بن مبارک (۱۳۹۹) **الکامل فی التاريخ**، بیروت: بی نا.
- (۱۴۰۴)، **جامع الاصول فی احادیث الرسول**، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، مصحح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- (۱۴۰۳)، **معانی الأخبار**، مصحح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۴۱۳)، **من لایحضره الفقیه**، محقق و مصحح، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۳۹۸) **التوحید**، محقق هاشم حسینی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بسطام، عبدالله و حسین (۱۴۱۱)، **طب الأئمة علیهم السلام**، محقق محمد مهدی خراسان، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی.
- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۲۰۰۲)، **لسان المیزان**، بیروت: دار البشائر الاسلامیه.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۱۹)، **الثاقب فی المناقب**، محقق نبیل رضا علوان، چاپ سوم، قم: انصاریان.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، **تحف العقول**، محقق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، **مناقب آل ابی طالب علیهم السلام**، قم: علامه.
- ابن صباغ، علی بن محمد (۱۴۲۲)، **الفصول المهمه فی معرفه الائمه علیهم السلام**، چاپ اول، قم: دار الحدیث.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸)، **فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم**، چاپ اول، قم: دار الذخائر.
- (۱۳۹۰)، **کشف المحججه**، قم: جلوه کمال.
- ابن کثیر، (۱۴۰۸) **البدایه و نهایه**، بیروت: علی شیری.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۹۴)، **الفهرست**، تهران: دنیای کتاب.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، **الأمالی**، چاپ ششم، تهران: کتابچی.

احمد بن ابی یعقوب، یعقوبی (بی تا)، **تاریخ یعقوبی**، بیروت: دار صادر.
احمد بن محمد، برقی (۱۳۷۱)، **المحاسن**، محقق جلال الدین محدث، چاپ دوم، قم: دارالکتب
الإسلامیه.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲)، **کشف الغمّة فی معرفه الأئمّة**، مصحح هاشم رسولی محلاتی، تبریز:
بنی هاشم.

افندی اصفهانی، عبدالله، (۱۳۸۹)، **ریاض العلماء**، مشهد: بنیاد پژوهشهای قدس رضوی.
امینی، عبدالحسین (۱۹۷۷)، **الغدیر**، بیروت.

انوری، حسن (۱۳۸۱)، **فرهنگ بزرگ سخن**، ج ۸، تهران: نشر سخن.

بحرالعلوم، محمدبن مهدی (۱۳۶۳)، **فوائد الرجالیه**، تهران: مکتبه الصادقیه.

بغدادی، ابوالفرج محمد بن اسحاق (۱۴۱۷)، **الفهرست**، تحقیق ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفه.

بهرامی، علی رضا (۱۳۹۲)، «شخصیت و احوال عبدالله بن جعفر حمیری»، **حدیث حوزه**، شماره ۶،
ص ۳۹-۶۱.

پورامینی، محمدباقر (۱۳۸۵) **گلشن ابرار**، قم: معروف.

تفرشی، مصطفی بن حسن، (۱۴۱۸)، **نقد الرجال**، قم: موسسه آل بیت.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۵)، **امل الامل**، بیروت: فاروس.

----- (۱۴۱۱)، **وسائل الشیعه**، قم: موسسه آل البيت.

حسینی، علیرضا، بهرامی، علیرضا (۱۳۹۱)، «بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی»، **پژوهش های**

قرآن و حدیث، ش ۲، ص ۳۹-۶۶.

حلی، تقی الدین الحسن بن علی بن داود (بی تا)، **کتاب الرجال**، قم: منشورات الشریف الرضی.

حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴)، **خلاصه اقوال**، قم: موسسه النشر الاسلامی.

حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵)، **معجم البلدان**، بیروت: دار صادر.

حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳)، **قرب الاسناد**، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.

خصیبی، حسین بن همدان (۱۴۱۹)، **الهدایة الکبری**، بیروت: البلاغ.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا)، **تاریخ بغداد**، بیروت: دارالکتب العربی.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳)، **معجم رجال الحدیث**، چاپ پنجم، نجف: موسسه الخویی الاسلامیه.

داداش نژاد، منصور (۱۳۹۸)، «بررسی منابع و محتوای نامه امام صادق (ع) به نجاشی»، **شیعه پژوهی**، شماره ۱۷، پاییز و زمستان

دوانی، علی (۱۳۸۸)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ذهبی، محمد بن احمد (بی تا)، **العبر فی خبر من غیر**، تحقیق ابوهاجر محمد سعید، بیروت: دارالکتب العلمیه.

----- (۱۴۰۹)، **تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام**، بیروت:

دارالکتب العربی.

----- (۱۴۲۷)، **سیر أعلام النبلاء**، قاهره: دار الحدیث.

----- (بی تا)، **التفسیر و المفسرون**، قاهره: مکتبه وهبه

زرکلی، خیرالدین (۲۰۰۲)، **الأعلام**، بیروت: دارالعلم للملایین.

راد علی، (۱۳۹۳)، «گونه شناسی احادیث تفسیری از نظریه تا تطبیق»، **نشریه علمی تخصصی**

تفسیر اهل بیت (ع)، ش ۱، ص ۶-۲۴.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، **مفردات الفاظ قرآن**، تحقیق و تصحیح صفوان عدنان

داوودی، بیروت: دارالقلم، دمشق: الدارالشامیه.

سیط بن جوزی (۱۴۱۸)، **تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمة**، قم، منشورات الشریف

الرضی.

سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم، فرضی پوریان، محمد، بخشی، سعید (۱۳۹۷)، «بررسی منابع علم امام از

منظر روایات»، **کلام اسلامی**، سال ۲۷، شماره ۱۰۵، بهار.

صادقی، مصطفی (۱۳۹۸)، «بررسی منابع شیخ مفید در باب دوازدهم ارشاد»، **مشرق موعود**، سال

سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز.

صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**،

تصحیح میرزا محسن تبریزی، قم: انتشارات آیت الله مرعشی نجفی.

صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک (۱۴۲۰)، **الوافی بالوفیات**، تحقیق احمد الأرناؤوط و ترکی

مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، **مکارم الاخلاق**، چاپ چهارم، قم: دار الشریف الرضی.

----- (۱۴۲۲)، **تاج الموالید**، بیروت: دارالقار.

----- (۱۴۱۷)، **إعلام الوری بأعلام الهدی**، قم: آل البيت.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، **تاریخ الامم والملوک**، تحقیق، ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دارالتراث.

----- (۱۴۱۳)، **دلایل الامامه**، قم: بعثت.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، **تهذیب الاحکام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

----- (۱۳۷۳)، **رجال الطوسی**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

----- (۱۴۰۴) **اختیار معرفه الرجال**، قم: میرداماد.

عاملی، محمد بن الحسن (بی تا)، **أمل لأمل**، تحقیق سید احمد الحسینی، بغداد: مکتبه الاندلس.

عسقلانی، احمد بن علی (۸۵۲)، **تبصیر المشتبه**، بیروت: المکتبه العلمیه.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، **تفسیر العیاشی**، هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران: المطبعه العلمیه.

غائی، احمد رضا (۱۳۸۷)، «نگرش تطبیقی-تحلیلی به کافی کلینی و صحیح بخاری»، **سفینه**، شماره ۱۹، ۴۵-۷۵.

غفوری نژاد، محمد، ملانوری شمسی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «شخصیت و آرای کلامی محمد بن حسن صفار»، **آیین حکمت**، ۵۹-۸۵.

فراتی، علی اکبر، رفعت، محسن (۱۳۸۹)، «بررسی منابع تاریخی ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه»، **تاریخ در آیین پژوهش**، سال هفتم، شماره ۳، پاییز.

فرهنگ انصاری، حسین (۱۳۸۹)، «برقی»، **دائرةالمعارف بزرگ اسلامی**، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۷)، **الدعوات**، چاپ اول، قم: مدرسه امام مهدی (عج).

کتبی، محمد بن شاکر (۱۹۷۴)، **فوات الوفيات**، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر.

کحاله، عمر بن رضا (بی تا)، **معجم المؤلفین**، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

کشکی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، **رجال الکشی**، محقق محمدحسن طوسی و حسن مصطفوی، چاپ اول، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، محقق و مصحح علی اکبر غفاری محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰)، **تفسیر فرات الکوفی**، محقق محمد کاظم، چاپ اول، تهران: موسسه الطبع و النشر فی وزراء الارشاد الاسلامی.

- مامقانی، ملا عبدالله، (۱۳۵۰)، **تنقیح المقال**، نجف: مکتبه المرتضویه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، **بحار الانوار**، قم: الاسلامیه.
- محدث قمی، عباس (۱۳۹۳)، **سفینه البحار**، قم: نوید اسلام.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، **المقنعه**، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۳)، **الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۴)، **الاختصاص**، قم: جامعه مدرسین.
- معین، محمد (۱۳۸۲)، **فرهنگ فارسی**، تهران: نشر اشجع.
- ملا نوری شمسی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «بررسی منابع علم امام با تکیه بر روایات بصائر الدرجات»، **هفت آسمان**، دوره ۱۷، شماره ۶۵-۶۶، تابستان.
- منتخب الدین رازی، علی بن عبدالله (۱۳۶۶)، **فهرست منتجب الدین**، قم: کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- موسوی خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰)، **روضات الجنات**، قم: اسماعیلیان.
- میرزای قمی، محمدحسن (۱۳۷۸)، **غنائم الايام**، قم: بوستان کتاب.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، **رجال النجاشی**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نوری، محمد تقی (۱۴۱۵)، **خاتمه مستدرک الوسائل**، قم: موسسه النشر الاسلامی.

Evaluation and typology of sources of Imam Kazem (AS) letters

Sayyed Sajjad Jafari/ Hasan Javadinia

Abstract:

ways, although the authors have only collected them and other aspects have not been considered. The study of these correspondences and letters is subject to knowing the sources and then examining their documents and text. This article has been organized with the aim of reviewing the sources and historical documents of Imam Kazem's (as) letters and by descriptive method and referring to various earlier sources. This is the question of what sources and works from the past to the present have quoted the letters of the Imam. What is the validity, characteristics and types of these sources and in what century were these letters most reflected? By examining and categorizing the sources of the letters, it became clear that the sources quoting the letters are from reliable and citable sources, and also most of the letters in the fourth century have been quoted in hadith sources and the history and manners of the Ahl al-Bayt (AS).).

Keywords: Imam Kazem (AS), sources, letters, credit.